

یادداشتهای صدر الاشراف

خاتمه جنگ عمومی

۴۸

در اواسط تابستان آن سال جنگ بسا آلمان خاتمه یافت و متفقین کلیه خاک آلمان را اشغال کردند و بفاصله کمی جنگ با ژاپن هم بواسطه استعمال دو بمب اتمی در دو شهر ژاپن خاتمه یافت و دولت جشن مفصلی منعقد کرد و بعد از چند روز دولتین امریکا و انگلستان بر حسب قرارداد قشون خود را از ایران خارج کردند و فقط عده کمی برای تأسیسات خود که در زمان جنگ ایجاد کرده بودند نگاه داشتند . عمده تأسیسات و اموالی که در موقع جنگ احداث و وارد کرده بودند متعلق بدولت امریکا بود . از سربازخانهها و بیمارستانها و مقر قشوق خود چه در تهران و چه در ولایات جنوبی و اموال زیادی که از لوازم راه آهن ومایحتاج قشون در ایران داشتند

بدولت پیشنهاد کردند که آنها را خریداری کند باین ترتیب که اموال منقول چه متعلق به راه آهن و چه غیر آنها بقیمتی که برای خودشان وارد شده بدون عوارض و مخارج نصب آنچه منصوب شده با کسر استهلاک ماشین آلات دولت تعهد کند که بعد از چهار سال بسه قسط بدلار امریکائی بدهد و اموال غیر منقوله تأسیسات خود را بقیمت عادلانه با هشتاد درصد تخفیف بدولت بفروشند .

دولت راجع بتأسیسات اعتراض کرد که قوای متفقین بدون اجازه و قرار داد به مهاجمه وارد خاک ایران شده و بر حسب احتیاجات خود ساختمانهایی کرده اند و حالا ندارد پول ساختمانی که بدون اجازه دولت کرده اند بیست درصد قیمت مطالبه کنند - مأمورین امریکا جوابهای غیر منطقی داده و بالاخره حاضر شدند که نود درصد از قیمت را تخفیف بدهند و اگر دولت نخواست بخرد آنها را خراب و آتش بزنند و چون بعضی از تأسیسات آنها از مریض-خانه‌ها و سر باز خانه‌ها مفید بود دولت مایل شد با مذاکره و چانه زدن برای تخفیف بیشتر آنها را بخرد و چون لازم بود دولت تعهد ارزی بکند که بعد از چهار سال قیمت قطع شده اموال تأسیسات آنها را بپردازد تصویب مجلس شورای ملی ضرورت داشت باین جهت قرار شد سه نفر از وزراء : آقایان محمود بدر وزیر دارائی و انوشیروان سپهبدی وزیر امور خارجه و آراسته وزیر راه بملاحظه لزوم اشیاء متعلقه براه آهن با کمیسیون وزارت خارجه مجلس که ریاست آن با آقای دکتر مصدق بود مذاکره و مشورت کنند .

خرید اموال متعلق براه آهن از امریکائیا

مذاکره با نظر مخالف اقلیت که لیدر آنها دکتر مصدق بودند بدولت بطول انجامید و امریکائی‌ها عجله در قطع و فصل این موضوع داشتند تا بالاخره کمیسیون وزارت خارجه مجلس صلاح ندانست معامله یکجا با امریکائی‌ها بشود و فقط موافقت در خرید اشیاء متعلقه براه آهن نمودند آنها با اصرار دولت بملاحظه اینکه راه آهن ایران تازه دایر شده و لوازم بقدر کفایت نداشت و آنچه هم که از سابق بود در مدت پنج سال که بدست

متفقین افناده بود فرسوده شده و اگر دولت لوازم راه آهن را نمی‌خرید بکلی تعطیل میشد. ولی در این مورد امریکائی‌ها سختگیری کرده و با این شرط حاضر بفروش لوازم شدند که دولت دلار نقد بابت قیمت بدهد.

لوازم راه هم عبارت بود از هفتاد لکوموتیو و هزار و پانصد اطاق و بارکش و مقداری زیاد ریل و سایر لوازم یدکی و روغن و سایر اشیاء لازمه و بالاخره کمیسیون‌هایی از مهندسين طرفین تشکیل گردید و اشیاء لازمه بقیمت هشت ملیون دلار خرید شده و هر چند روزنامه‌های مخالف دولت اعتراضات زیاد باین معامله دولت کردند ولی روزنامه‌ها و مخالفین دولت خود را مسئول امور مملکت نمیدانستند و غرض آنها جز ایراد و اعتراض نبود و الا گذشته از نهایت لزوم برای اشیاء خریداری شده نهایت صرفه هم داشت چه اگر دولت میخواست آن اشیاء را سفارش بدهد اولاً در آن موقع که کارخانجات اروپا و امریکا هنوز مشغول ساختن آلات جنگ بودند چندسال طول می‌کشید و چند برابر قیمتی که خریداری شده برای دولت تمام میشد.

راجع به خرید تأسیسات هم دولت مشغول چانه زدن برای کسر کردن قیمت بود تا اینکه من استعفا دادم و دولت ساقط شد و بعد از من حکیمی نخست وزیر شد و آن دولت با تخفیف نود و دودر صد آنها را خرید.

در اینجا لازم است برای روشن شدن اوضاع آن وقت در نظر خوانندگان تذکر بدهم که بعد از خاتمه جنگ هم که سازمان ملل در امریکا تشکیل شد و پنجاه و چند دولت عضویت سازمان را قبول کردند و منشور مفصلی تدوین گردید و به امضاء دول عضو سازمان رسید برای پنج دولت امریکا - انگلیس - شوروی و فرانسه و چین حق و تو تسویب شد ولی نفوذ امریکا و شوروی و انگلیس محور امور و تصمیمات سازمان بین‌المللی بود و نه تنها دولت ایران بلکه هیچ دولتی از سایر دول انتظار نداشت که برای خاطر او امریکا که بیشتر از سایر دول فریاد آزادی و حمایت از دول ضعیف میزند پنجاه بروی شوروی یا دولت دیگر بزند و خلاصه اینکه هیچگونه حمایتی نسبت بایران در مقابل تجاوز دیگران نشان نمیدادند و

رفتار خود آنها هم با ایران مبنی بر مساعدت و ارفاق نبود ولذا در معامله اشياء راه آهن ارفاق نکردند و با وجود بی پولی دولت ایران تا تمام پول قیمت اشياء را نقد نگرفتند اشياء را تحویل ندادند .

غرض این است که اوضاع بین المللی آنروز شباهتی به اوضاع امروز که امریکا بملاحظه جلوگیری از نفوذ شوروی در خاور بخصو ص ایران حاضر بهمه نوع مساعدت با ایران شده نداشت و اوضاع آنروز را با امروزه نباید قیاس کرد .

باری قوای امریکا و انگلیس در مدت قلیلی بعد از جنگ ایران را ترك کردند و رفتند ولی قوای شوروی بجای خود ماندند و اگر عده قلیلی از آنها از تهران رفتند در آذربایجان و سرحدات شمالی توقف کردند و هر وقت به آنها تذکر داده شد که مطابق قرار داد باید بعد از خاتمه جنگ خاک ایران را تخلیه کنند جواب دادند در قرارداد مقرر است که تا ششماه بعد از جنگ باید قوای متفقین از ایران بروند و ما تا آخر مدت خواهیم بود .

« ناتمام »

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مركز جمع علوم انسانی

